



نقش ظرفیت نهادی در توسعه پایدار فضاهای شهری و پیراشهری بجنورد

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۱/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۴

صفحات: ۱۹-۳۶

خداکرم ملائی؛ دانشجوی گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
لطفعلی کوزه گر کالجی؛ استادیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
محمدتقی رضویان؛ استاد گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
جمیله توکلی نیا؛ دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

در سه دهه اخیر، کاربست ظرفیت نهادی در تحقق توسعه پایدار فضاهای شهری و پیراشهری در رأس برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای کشورهای جهان در آمده، با این حال در کشورهای کمتر توسعه یافته‌ای همچون ایران این مهم مورد غفلت واقع شده است. این نهادها به عنوان کارگزاران توسعه نقش بی‌بدیلی در تحولات فضایی در مقیاس سرزمینی دارند که در این پژوهش شهرستان بجنورد مورد مطالعه قرار گرفته تا ابتدا ظرفیت نهادی متولی توسعه در آن ارزیابی گردد و سپس میزان اثرگذاری این ظرفیت‌ها بر روند و نهادینگی توسعه پایدار منطقه‌ای تحلیل گردد. جامعه آماری این پژوهش را کارکنان نهادها تشکیل می‌دهد که آگاهی و دانش بیشتری نسبت به ظرفیت نهادی خود دارند و از میان آنان تعداد ۴۰۰ نفر به صورت تصادفی مورد گزینش قرار گرفته‌اند. نتایج حاصله از طریق پرسشنامه محقق‌ساخت و با استفاده از آزمون T-test تک‌نمونه‌ای مستقل نشان می‌دهد که ظرفیت نهادی شهرستان بجنورد در تمامی گویه‌ها مجموعاً با میانگین ۲٫۶۳ در سطح پایینی قرار دارد و هیچ کدام از مؤلفه‌ها به حد متوسط ۳ دست نیافته‌اند. به همین ترتیب، این مؤلفه‌ها توانسته‌اند اثر مثبتی بر توسعه پایدار شهری-منطقه‌ای داشته باشند به طوری که بیشترین اثرگذاری مربوط به مؤلفه "منابع حیاتی" با امتیاز ۲٫۷۸ و کمترین اثرگذاری مربوط به مؤلفه "منابع مادی و فیزیکی" با امتیاز ۲٫۳۶ است. در نهایت پیشنهادهایی همچون بهره‌گیری از نیروهای متخصص در حوزه‌های مرتبط با دانش آنان و جلوگیری از اتلاف سرمایه‌های انسانی در برابر فعالیت‌های غیر تخصصی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی:

ظرفیت نهادی، توسعه پایدار، فضاهای پیراشهری، بجنورد.

akozezar2010@gmail.com

نحوه ارجاع به مقاله:

ملائی، خداکرم. کوزه گر کالجی، لطفعلی. رضویان، محمدتقی. توکلی نیا، جمیله. ۱۴۰۰. نقش ظرفیت نهادی در توسعه پایدار فضاهای شهری و پیراشهری بجنورد. مجله توسعه فضاهای پیراشهری. ۱(۵): ۱۹-۳۶.



قرار گرفتن در مسیر توسعه، هیچ‌گاه غایتی از پیش تعیین شده نبوده است و در کشورهای مختلف به دلیل زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مختلف متفاوت است (متوسلی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۰). پس از تجربه سیاست‌ها و استراتژی‌های مختلف توسعه در ملل مختلف، کشورها با پدیده‌ای مواجه شدند که ادامه تلاش‌ها را مشروط به کاربست شرایط نوینی کرده بود. این پدیده که با تفاوت معنادار سطح توسعه مناطق داخلی یک کشور شناسایی می‌شود با عنوان عدم تعادل منطقه‌ای مطرح شده و کاهش آن یکی از اهداف سیاست‌گذاران توسعه بوده است (عظیمی، ۱۳۹۶: ۱۳۹). امروزه ظرفیت نهادی به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین رهیافت‌های توسعه محلی و منطقه شناخته می‌شود که توانایی یک سازمان در تحقق اهداف را دنبال می‌کند (Frank, 1999: 51). این نهادها به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اهرم‌های سیاست‌گذاری و اجرایی، توانایی تحقق توسعه پایدار در مقیاس‌های متنوع جغرافیایی را دارند و تاکنون در تحقیقات مختلفی تحقق اهداف توسعه-ای از طریق این ظرفیت‌های نهادی دنبال شده است (Wang et al, 2017; Sence and Korthals, 2010; Isaksson, and Hagbert, 2020; Mulugetta, 2008; Tonn, 2014; Fresneda et al, 2018). سیر تکوین رهیافت‌های نهادی از دهه ۱۹۹۰ ایده‌های جدیدی را در برنامه‌ریزی شهری و منطقه مطرح نمود با این استدلال که با روندهای توسعه شهری-منطقه‌ای باید با توجه به الزامات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی مختص به خود روبرو شد و هر فضای جغرافیایی؛ نهاد بومی و کارساز خاص خود را باید داشته باشد تا بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های نهادی و منابع منطقه‌ای محقق گردد (Pike et al, 2004: 36). انگاره ظرفیت‌سازی سه رکن اصلی دارد که متشکل از نهادهای دولتی، نهادهای اداره‌کننده محلی (و عمدتاً غیردولتی) و اجتماعات محلی می‌باشد (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۱۰۶) و دربرگیرنده مجموعه‌ای از دستور کارها و اصول و قواعدی است که به رهبری سازمان در استفاده حداکثری از توان‌های درونی و بهره‌گیری صحیح از منابع بیرونی با توجه به انتظارات و نیازهای در حال تغییر جامعه منجر می‌گردد. از آنجا که هنجارها و اصول اجتماعی به‌شدت تغییرپذیر است و هیچ‌گاه در حالت ثبات قرار نمی‌گیرد، استفاده از رویکرد نهادی گرچه مشکل‌ساز است اما در صورت ظرفیت‌سازی و انعطاف‌پذیری، ضرورتی مبرم است (Salet, 2000). باین‌حال در کشورهای کمتر توسعه‌یافته مسائلی همچون فقدان کارآیی و اثربخشی، نابرابری‌های فضایی و تفرقات سیاسی (آخوندی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۶-۵) موجب گشته تا ناکارآمدی نهادها در نیل به توسعه پایدار بیش‌ازپیش جلوه‌گر باشد و رهیافت‌هایی برای ارتقای کارایی نهادها پیشنهاد گردد. یکی از این رهیافت‌ها، تقویت ظرفیت سازمان‌ها با عنوان ظرفیت نهادی در حوزه به سرانجام رساندن مسئولیت‌ها و وظایف آن‌ها است بدین معنا که سه عنصر منابع ارتباطی، منابع دانشی و منابع کنشی برای بسیج کردن قابلیت‌های نهاد بکار گرفته شود. این سه عنصر نه تنها مکمل هم هستند بلکه می‌توانند یکدیگر را تقویت نمایند و در جهت پاسخگویی به نیازهای واقعی شهر-منطقه گام بردارند (Healey, 2005: 1337-42). در کشور ایران اندیشه نهادگرایی و ارتباط آن با توسعه پایدار در یک دهه اخیر ظهور کرده و کاربست آن در برخی مناطق نشان می‌دهد که چالش‌های اساسی در تحقق این ارتباط وجود دارد (کاظمیان و دیگران،

^۱ - منابع دانشی صرفاً دانش افراد متخصص و مدیران را شامل نمی‌شود بلکه بازوی اصلی آن دانش محلی و بومی در سازمان‌های غیردولتی و اجتماعات محلی است. منابع ارتباطی به توسعه شبکه‌های اعتمادسازی، همبستگی و مشارکتی اشاره دارد و در نهایت منابع کنشی نمایان‌گر بسیج تمام منابع و محرک-های آن در جهت اهداف توسعه پایدار است.

۱۳۹۲؛ لاله‌پور، ۱۳۹۶؛ اسکندرثانی و دیگران، ۱۳۹۷) در چنین شرایطی که چالش‌های مختلف توسعه‌ای و ناپایداری-های متنوع در فضاهای شهری و پیراشهری مشهود است به نظر می‌رسد استفاده از ظرفیت نهادی با توجه به حوزه مسئولیت سازمان‌ها می‌تواند گام مثبت و روبه‌جلویی در رویه‌ای کردن توسعه پایدار باشد به همین منظور شهرستان بجنورد در شرق کشور به‌عنوان نمونه مطالعاتی برگزیده شده تا ابتدا ظرفیت نهادی سازمان‌های متولی توسعه در آن ارزیابی گردد و سپس نقش مثبت یا منفی این ظرفیت‌ها در تحقق توسعه پایدار شهری-منطقه‌ای (فضاهای شهری و پیراشهری) و میزان نهادینه شدن آن به‌دست آید.

در زمینه ظرفیت نهادی و ارتباط آن با ابعاد مختلف توسعه پایدار پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی انجام گرفته است گرچه پژوهش‌های خارجی از غنای بیشتری برخوردارند زیرا سابقه این موضوع در میان آنان دیرینه‌تر است باین‌وجود تعدادی پژوهش داخلی نیز در سال‌های اخیر انجام گرفته که در جدول زیر به مهم‌ترین موارد آن اشاره می‌شود.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

محقق	سال	عنوان	نتایج
Isaksson, and Hagbert	۲۰۲۰	بهره‌گیری از ظرفیت نهادی برای یکپارچگی دیدگاه‌های افراطی در زمینه پایداری شهرداری‌های کوچک؛ تجارب سوئد	نتایج کیفی این مطالعه نشان می‌دهد که ارتباط با کنشگران و صاحب‌نظران رادیکال در شهرداری‌های کوچک از طریق ظرفیت نهادهای غیررسمی و شبکه‌سازیهایی که با نهادهای سیاسی صورت می‌گیرد در درازمدت ممکن است. یافته‌های تحقیق گویای آن است که در شرایط کنونی منابع دانشی زیادی در نهادهای محلی وجود دارد اما تاکنون هیچ اثری در تصمیمات رادیکالی شهرداری‌ها نداشته است بنابراین یک دستور کار قوی برای اقدام عملی و بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای محلی ضرورتی مبرم است.
Morrison	۲۰۱۴	توسعه مؤلفه‌های حکمروایی منطقه‌ای؛ پتانسیل نهادی مناطق روستایی	پتانسیل نهادهای مداخله‌گر در امور روستایی به‌شدت به دولت مرکزی وابسته است و در صورت تقویت چهار شاخص؛ مشارکت در شبکه‌های منطقه‌ای، تنوع و هم‌افزایی نهادها، سازگاری، و حمایت مالی از نهادها موجب توسعه بیشتر و فعالیتهای سیستماتیک‌تر در نواحی روستایی خواهد شد ضمن آنکه بهره‌گیری از ظرفیت نهادی سازمان‌های غیرانتفاعی و عمدتاً مردم‌محور نقش بی‌بدیلی در سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی دارد.
Sence and Korthals	۲۰۱۰	نقش ظرفیت نهادی در توسعه زمین برای مسکن‌سازی در پهنه‌های حفاظت (اماکن سبز) استانبول	نهادهای محلی و دولت مرکزی با کنشگری مردم به‌عنوان قانون‌گذاران و سرمایه‌گذاران نقش بی‌بدیلی در توسعه زمین دارند. این نقش‌ها با ظرفیت‌های قانونی نهادها بسیار گسترده‌تر شده، باین‌وجود ظرفیت نهادی نتوانسته است پاسخگوی نیاز گروه‌های کم‌درآمد شهری باشد و عمده ظرفیت آنان در راستای منافع گروه‌های اقتصادی متوسط و بالا بوده است.
Parada	۲۰۰۶	رویکرد اقتصاد نهادی عمل‌گرایانه در توسعه نهادی و اقتصادی	نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عملکرد نهادها تنها به‌واسطه شرایط فرهنگی تعیین نمی‌شود بلکه مجموعه‌ای از مؤلفه‌های اقتصادی، تکنولوژیکی، ارتباطی و شرایط ویژه جغرافیایی و همچنین آژانس‌های فردی و جمعی در میزان عملکرد نهادها تأثیرگذارند. در انتها تبیین شده است که ارتباط مستقیمی بین توسعه نهادی و توسعه اقتصادی برقرار است.
بنا و دیگران	۱۳۹۷	ظرفیت‌سنجی نهادی صیانت و توسعه پایدار حریم منطقه ۱۹ شهر تهران	نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در هیچ کدام از شاخص‌های پژوهش؛ ظرفیت‌های نهادی در سطح بسیار مطلوبی قرار ندارند. در این بین ظرفیت یکپارچه بودن نهادها بالاترین میانگین را با مقدار ۳٫۱۵ بدست آورده است و پایین‌ترین میانگین نیز مربوط به مؤلفه ظرفیت دانش نهادها با میانگین ۱٫۲۶ است.
لاله‌پور	۱۳۹۶	تحلیلی بر ظرفیت نهادی-مدیریتی فضاهای شهری در ارتباط با مشارکت شهروندان در اداره شهرها (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهر تبریز)	وضعیت نامطلوب مشارکت و نیز ظرفیت پایین نهادی-مدیریتی فضای شهری برای مشارکت شهروندان در منطقه ۸ تبریز از نتایج اولیه این تحقیق است. همچنین مؤلفه نگرش دولت به مشارکت با ضریب بتا ۰/۴۶۹ بیشترین تأثیر را در بین مؤلفه‌های بسترهای نهادی-مدیریتی داشته است و سپس به ترتیب مؤلفه‌های نقش رسانه‌های جمعی، نقش تشکل‌های مردمی و ایجاد فرصت‌های ارتباط با مدیریت شهری با ضریب بتا ۰/۴۴۳، ۰/۴۰۸ و ۰/۳۷۰ در مراتب بعدی قرار داشته‌اند.
کاظمیان و دیگران	۱۳۹۲	رابطه ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای (مطالعه موردی: شهرستان-های یوکان و ارومیه)	نتایج نشان داد که ارتباط معناداری بین ظرفیت نهادی و میزان رویه‌ای شدن توسعه پایدار وجود دارد و بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، رویه‌ای شدن توسعه پایدار با مؤلفه‌های ۵ گانه ظرفیت نهادی دارای ۷۲٫۵ درصد همبستگی می‌باشد. علاوه بر آن نتایج مشخص ساخت که مؤلفه‌های تشکیل دهنده ظرفیت نهادی سهم متفاوتی در میزان رویه‌ای شدن توسعه پایدار داشته‌اند؛ به طوری که بر اساس نتایج تحلیل مسیر، مؤلفه‌های ترتیبات قانونی مناسب، یکپارچه بودن نهادها، توانایی نهادی، یادگیری و دانش به ترتیب با ۰٫۶۰۴، ۰٫۳۵۶، ۰٫۳۵۴، ۰٫۲۴۸ و ۰٫۰۷۴ بر میزان رویه‌ای شدن توسعه پایدار اثرگذار بوده‌اند.

پژوهش خارجی که اغلب با رویکرد کیفی و پژوهش‌های داخلی که متکی بر یافته‌های کمی هستند به نقش نهادها بر ابعاد مختلف توسعه تأکید دارند با این حال ضعف این نهادها در حوزه عمل و دانش از اصلی‌ترین چالش‌های پیش‌رو به‌شمار می‌رود. در این پژوهش نیز تلاش شده است تا همسو با پژوهش‌های پیشین، علاوه بر بررسی ظرفیت نهادی در شهرستان بجنورد، به ارتباط آن با نهادهای توسعه پایدار پرداخته شود با این تفاوت که سعی می‌شود از شاخص‌ها و معیارهای بیشتری استفاده شود و به غنای بیشتر این موضوع که در ایران جزو بکرترین موضوعات به‌شمار می‌رود کمک نمود.

ظرفیت و ظرفیت‌سازی نهادی

ظرفیت نهادی یا ظرفیت‌سازی نهادی از جمله مفاهیمی است که طیف گسترده‌ای از کارشناسان و متخصصان برای بسیج نمودن تمامی منابع جمعی و فردی به آن رجوع می‌کنند (Brown, 2008: 222). سازمان ملل متحد در تعریف ظرفیت و ارتقای آن بیان می‌کند که (UNDP, 2006: 3) "ظرفیت یعنی توانایی سازمان‌ها و نهادها و حتی اشخاص و اجتماعات به‌منظور انجام عملکردها، حل مشکلات، تنظیم و دستیابی به اهداف توسعه پایدار است و ارتقای ظرفیت فرایندی است که از طریق آن توانایی انجام کارها صورت پذیرفته و در طول زمان حفظ می‌شود". ظرفیت‌سازی نهادی به معنای افزایش قابلیت سازمان‌ها در انجام مؤثر، کارآمد و پایدار مسئولیت‌هایشان و بهبود عملکردها است که به‌نوعی در قدرت یک‌نهاد برای انجام دقیق امور قلمداد می‌گردد (Van Geene, 2003: 4). ظرفیت هر نهادی غالباً در چهار بعد سنجیده می‌شود: الف: ظرفیت گزارش‌شده؛ ب: به معنای مجموعه منبع مادی (Oslak, 2004) و امکانات و وسایل اداری متناسب با پتانسیل سازمان برای انجام وظایفی که به آن‌ها واگذار شده است (Nelissen, 2002). ب: ظرفیت مؤثر؛ یعنی سازگاری با اقدامات دولتی و مدیریت عمومی به گونه‌ای که انعطاف‌پذیری در مقابل سیاست‌گذاری کلان در درون نهاد وجود داشته باشد (Repetto, 2007). ج: ظرفیت به‌مثابه یک محصول؛ یعنی مجموعه مهارت‌ها و دانشی که نهادها تولید می‌کنند و با بهره‌گیری از آن توانایی انجام مسئولیت‌ها و بهبود وضعیت موجود را دارند (Burns, 2005; Grindle & Hilderbrand, 1995; Savitch, 1998). د: ظرفیت به‌مثابه فرایند؛ یعنی توانایی نهاد برای بسیج منابع فردی و جمعی در راستای پاسخگویی به نیازها (Willems and Baumer, 2003) که با توسعه ساختار نهادی مرتبط است تا مسئولیت‌های خود را به‌صورت منظم و هماهنگ در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به عهده بگیرد (Chavez and Rayas, 2006). مجموعه فاکتورهای ظرفیت‌سازی کمک می‌نماید تا دانش، مهارت و قدرت حل مساله در نهادها به جهت مدیریت صحیح و تداوم توسعه پایدار تقویت شود (Chapman, 2001). بنیان‌های اصلی فرایند ارتقای ظرفیت عبارت است از ۱- به‌کارگیری رویکردهای چندجانبه در زمینه برنامه‌ریزی و اجرای برنامه ۲- تأکید بر تحول و نوآوری نهادی و فنی ۳- تأکید بر تقویت و استفاده از سرمایه‌های اجتماعی ۴- تأکید بر توسعه و به‌کارگیری مهارت‌های جمعی (نهادی) و فردی و ۵- مقتدر سازی مردم برای تأمین معاش خود به نحو پایدار از طریق ارتقای آموزشی و مهارت‌ها (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۱۰۴). سنجش ظرفیت نهادی و ظرفیت‌سازی باید در ابعاد سرمایه انسانی،

1 Reported Capacity

2 Effective Capacity

3 Capacity as a Product

4 Capacity as Process

سرمایه اجتماعی، سرمایه نهادی و سرمایه اقتصادی مورد شناسایی قرار گیرد (Robins, 2008) به گونه‌ای که کیفیت روابط رسمی و غیررسمی، نظام مشوق‌ها، شفاف بودم مقررات و مسئولیت‌ها، مشارکت در تصمیم‌گیری، میزان پذیرش ایده‌های بیرونی، دسترسی به منابع (فنی و مالی)، روابط باز و شفاف بین سازمانی، هماهنگی بین و درون سازمانی، مهارت و دانش فنی افراد، حمایت از یادگیری سازمانی، حمایت از ابتکارات فردی، چشم‌اندازسازی در سازمان، ارزیابی دوره‌ای منابع و عملکردها در راستای اهداف سازمان را در بر گیرد (De Meene, 2008). برخی از پژوهشگران اعتقاد دارند که ظرفیت نهادی از سه معیار ارتقا می‌یابد که عبارت است از سازمان‌های متولی توسعه ۲- سندیکاها و اتحادیه‌های اقتصادی و جاری و ۳- سازمان‌های داوطلب و غیررسمی و عمدتاً مردمی (Gibbs et al, 2001: 103-107) با این حال ارتقای ظرفیت نهادی یا ظرفیت‌سازی در هر جامعه‌ای با توجه به میزان قدرت نهادها، حمایت‌های قانونی، بسترهای اجتماعی-فرهنگی و زیرساخت‌های فیزیکی مرتبط است و نمی‌توان مدل تعمیم‌یافته‌ای برای آن متصور شد.

ظرفیت نهادی و توسعه پایدار فضاهای شهری و پیراشهری (شهری-منطقه‌ای)

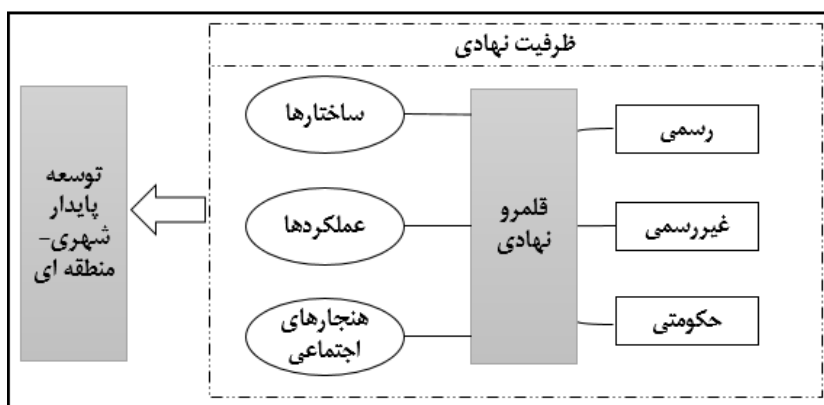
پشتیبانی ظرفیت نهادی از ابعاد گوناگون توسعه پایدار در مقیاس شهری-منطقه‌ای در پژوهش‌های تجربی مختلفی به تأیید رسیده است (Polk, 2011; Yoon, 2014; Kurul et al, 2012; Medina and Huete García, 2019; Ebohon et al, 1997; Hamdy et al, 1998) با این حال همچنان در زمینه‌های مختلفی چالش برانگیز است و شیوه‌های این تأثیرگذاری جای بحث دارد تا جایی که از یک سو قلمروهای فرهنگی، ارزشی، تفکری و مدل‌های ذهنی در هر جامعه‌ای می‌تواند عملکرد نهادها بر توسعه را متأثر سازد و صرفاً ساختار نهاد متکی به خود نباشد بلکه از روندهای بیرونی تأثیر بپذیرد (North, 1990; Mortel, 2000; Platje, 2004) و شاید بتوان از برجستگی نقش نهادهای غیررسمی سخن راند که مجموعه بزرگی از این پارامترهای اجتماعی را در برمی‌گیرد و می‌تواند محرک سایر نهادها باشد. از سوی دیگر همان‌گونه که اشکال و سطوح مختلف نهادی موجب ارتقای ظرفیت خواهد شد بر سیاست‌گذاری و اقدام‌پژوهی در زمینه توسعه پایدار نیز مؤثر است (Evans et al, 2005: 33). برخی از محققین استدلال می‌کنند که نهادهای رسمی و حکومت نهادی (نهادها حکومتی) نقش بیشتری در تحقق توسعه پایدار دارند و نهادهای غیررسمی باید پشتیبان و تقویت‌کننده عملکرد نهادهای رسمی و حکومتی باشند در واقع حکومت نهادی باید در اجرای قوانین توسعه کارآمد باشد و نهادهای غیررسمی دارای تشکل‌ها و افرادی باشد که رفتارهای ضد توسعه و فرصت‌طلبانه از خود نشان نمی‌دهند و الگوهای پایداری را تقویت کنند (Platje, 2006: 14). رهیافت‌های این ایده در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. درجه‌های مختلف تعادل نهادی و توسعه پایدار

سطوح	شیوه عملکرد نهادها	درجه تعادل نهادی	شیوه اثر
۱	نهادهای رسمی و غیررسمی پشتیبان توسعه پایدار هستند و حکومت نهادی کارآمد است.	تعادل سازمانی کامل	مثبت
۲	نهادهای رسمی و غیررسمی پشتیبان توسعه پایدار هستند و حکومت نهادی ناکارآمد است.	تعادل سازمانی نسبی	احتمالاً مثبت
۳	نهاد رسمی و حکومت نهادی پشتیبان توسعه پایدار هستند و نهاد غیررسمی ناکارآمد است.	عدم تعادل سازمانی	احتمالاً منفی
۴	نهاد رسمی پشتیبان توسعه پایدار هستند و حکومت نهادی و نهادهای غیررسمی ناکارآمد است.	عدم تعادل سازمانی	منفی
۵	نهاد غیررسمی پشتیبان توسعه پایدار هستند و حکومت نهادی ناکارآمد است.	عدم تعادل سازمانی	احتمالاً مثبت
۶	نهاد غیررسمی پشتیبان توسعه پایدار هستند و نهادهای رسمی و حکومت نهادی کارآمد است.	عدم تعادل سازمانی	احتمالاً منفی
۷	حکومت نهادی پشتیبان توسعه پایدار هستند و نهادهای رسمی و غیررسمی ناکارآمد است.	عدم تعادل سازمانی فزاینده	منفی
۸	نهادهای رسمی و غیررسمی و حکومت نهادی ناکارآمد هستند.	عدم تعادل سازمانی کامل	منفی

منبع: Platje, 2006: 14

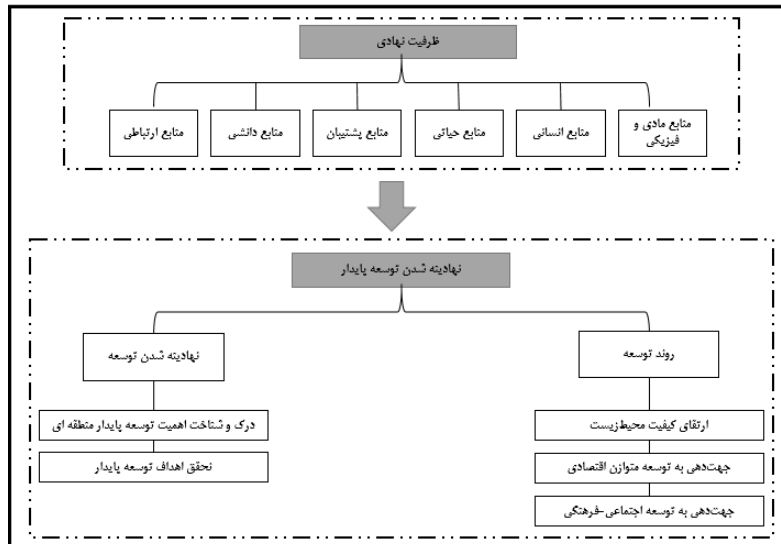
گرچه دامنه ابعاد توسعه پایدار شهری-منطقه‌ای بسیار وسیع و پیچیده است (Roberts, 2006: 515) و مجموعه کثیری از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، بهداشتی، فناوری، فرهنگی و .. را در برمی‌گیرد (Jovovic et al, 2017: 256) به تبع آن عملکرد و ساختار نهاد نیز از همین الگو پیروی می‌کند اما می‌توان با توجه به فرایند ظرفیت نهادی که از یک سو بخش‌های رسمی، غیررسمی و حکومتی را در برمی‌گیرد و از سوی دیگر، ساختارهای مادی و فیزیکی و قانونی، عملکردها و هنجارهای اجتماعی را فراگرفته است مدل نظری را ارائه نمود و در گام بعد این مدل نظری را با توجه به ویژگی‌های هر جامعه‌ای به مدل کاربردی و ابزاری برای سنجش (مطابق شکل شماره ۲) وضعیت موجود کرد.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش بر اساس مطالعات

روشن‌شناسی

این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و ماهیت آن کاربردی-توسعه‌ای می‌باشد. داده‌ها و اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی جمع‌آوری شده است. در بخش کتابخانه‌ای از مقالات و کتاب‌های مرتبط استفاده شده؛ و در بخش میدانی با بهره‌گیری از پرسشنامه محقق ساخته، گردآوری داده‌های خام صورت گرفته است. پرسشنامه در ۹۸ سؤال به شرح جداول شماره ۴ و ۶ و دو بخش کلی ناظر بر متغیر مستقل (ظرفیت نهادی) و تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته (توسعه پایدار شهری-منطقه‌ای) طراحی شده که هر کدام از متغیرها به ترتیب به ابعاد شش-گانه و دو گانه (با پنج زیرشاخص) قابل تقسیم است.



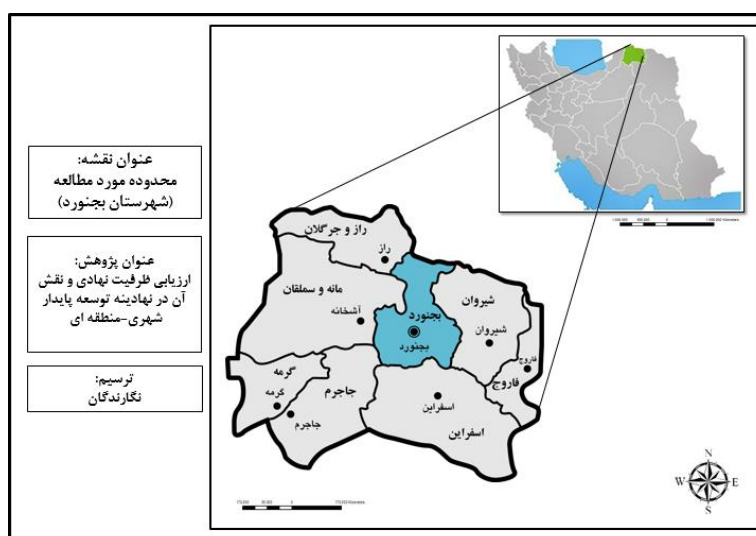
شکل ۲. مدل کاربردی پژوهش

واحد تحلیل در این پژوهش کلیه نهادهایی هستند که از بودجه عمومی بهره‌مند هستند و تعداد آن‌ها در سطح شهرستان بجنورد بالغ بر ۷۰ نهاد است که هر کدام به نوعی متولی توسعه هستند و در دستور کار خود ابعاد مختلف حیات اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، زیست محیطی، بهداشتی و درمانی، آموزشی، اوقات فراغت و ... مردم را در برمی گیرند. افراد نمونه برای پاسخ‌دهی به سؤالات پرسشنامه از کارکنان شاغل در این نهادها انتخاب شده زیرا بیشترین اشراف را بر وظایف و عملکرد نهادها دارند و در محیط اداری آشنایی بیشتری با ابعاد مختلف ظرفیت نهادی و عملکردهای که منجر به توسعه خواهد شد، دارند. از بین ۷۰ دستگاه دولتی، به صورت تصادفی ۱۵ نهاد انتخاب شدند (بیش از ۲۰ درصد) و با توجه به مشخص نبودن جامعه آماری (تعداد کارکنان رسمی، پیمانی، قراردادی، شرکتی و ..)، تعداد ۴۰۰ پرسشنامه (حداکثر تعداد پرسشنامه برای جامعه نامحدود طبق فرمول کوکران) به صورت تصادفی (در هر کدام از نهادها حدود ۲۷ پرسشنامه) توزیع شد. پس از گردآوری داده‌های اولیه، برای تحلیل آن، در بخش توصیفی از جداول و نمودارها؛ و در بخش استنباطی از آزمون آماری t-test تک نمونه‌ای مستقل برای بررسی میانگین‌ها استفاده شد. بررسی‌های توصیفی شامل خصوصیات جمعیت شناختی اعضای نمونه است و تحلیل‌های استنباطی نیز به دو بخش قابل تقسیم است. در بخش اول در زمینه ارزیابی ظرفیت نهادی پرسش‌گری شده که میانگین آن بدست آمد و در بخش دوم تأثیر هر کدام از ابعاد ظرفیت نهادی بر ابعاد توسعه پایدار مشتمل بر شاخص روندها و نهادینگی توسعه سنجش شد که با استفاده از طیف لیکرت (اعداد ۱ الی ۵؛ که ۵ بیشترین تأثیر و ۱ کمترین تأثیر را نشان می‌دهد و عدد ۳ نیز میانگین متوسط است) میانگین این بخش با استفاده از آزمون مذکور محاسبه شده است. لازم به ذکر است که آلفای کرونباخ ۳۰ پرسشنامه توزیع شده به مقدار ۰,۷۸ بدست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب است و موجب شد تا پرسشنامه‌های بعدی نیز توزیع گردد.

شهرستان بجنورد به مرکزیت شهر بجنورد، بخش‌های مرکزی و شمالی استان خراسان شمالی را به خود اختصاص داده و از شمال با کشور ترکمنستان، از شرق به شهرستان شیروان، از غرب به شهرستان مانه و سملقان و از جنوب به

^۱ - از این جهت مردم به عنوان جامعه نمونه انتخاب نشده‌اند که آشنایی کاملی با ظرفیت نهادها ندارند. یقیناً شاغلین این بخش بیشترین دانش را نسبت به ظرفیت‌های خود و نقش این ظرفیت‌ها در تحقق توسعه را دارند.

شهرستان‌های اسفراین و جاجرم محدود می‌شود (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان شمالی، ۱۳۹۸). این شهرستان با مساحت حدود ۳۶۱۹ کیلومتر مربع؛ ۳ شهر، ۲ بخش، ۵ دهستان و ۱۹۶ آبادی دارد. جمعیت شهرستان بجنورد در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۹۴۴۵۷ خانوار با ۳۲۴۰۸۳ نفر برآورد گردیده است که از این تعداد؛ ۶۸۷۵۳ خانوار با ۲۳۳۸۱۰ نفر جمعیت در نقاط شهری و ۲۵۷۰۴ خانوار با ۹۰۲۷۳ نفر جمعیت در نقاط روستایی ساکن هستند (سالنامه آماری استان خراسان شمالی، ۱۳۹۵).



شکل ۳. محدوده مورد مطالعه

یافته‌های تحقیق

خصوصیات جمعیت شناختی پرسش‌شوندگان

در جدول زیر به مهم‌ترین اطلاعات اعضای نمونه اشاره شده است. ۶۸/۵ درصد از پرسش‌شوندگان را مردان و ۳۱/۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. سن اغلب کارکنان نهادها بین ۴۵ الی ۶۴ سال با ۳۸/۲۵ درصد است و کمترین گروه نیز بیش از ۶۴ سال با ۸/۵ درصد می‌باشد. ۵۹/۲۵ درصد از کارکنان دارای مدرک کاردانی و کارشناسی هستند و تحصیلات دیپلم و کمتر از آن ۷ درصد می‌باشد. اشتغال رسمی با ۴۲/۲۵ درصد، و قراردادی با ۱۶/۷۵ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین شکل‌های استخدامی در نهادها است و ۱۱/۷۵ درصد نیز گزینه سایر را انتخاب نموده‌اند که غالباً به صورت ساعتی فعالیت دارند. سابقه اشتغال ۴۳/۵ درصد از اعضای نمونه بین ۵ الی ۱۰ سال است که نشان‌دهنده تجربه نسبتاً بالای فعالان اداری است و ۳۸ درصد نیز اذعان نموده‌اند که بیش از ۱۰ سال سابقه فعالیت نهادی دارند. همچنین میانگین سابقه اشتغال همکاران اعضای نمونه نیز تا حدودی به اعضای نمونه مشابهت دارد و بیشترین رقم مربوط به سابقه اشتغال ۵ الی ۱۰ سال با ۴۲/۵ درصد است.

جدول ۳. خصوصیات جمعیت‌شناختی اعضای نمونه

درصد	یافته‌های توصیفی	درصد	یافته‌های توصیفی
۴۲/۲۵	رسمی	۶۸/۵	مرد
۲۹/۲۵	پیمانی	۳۱/۵	زن
۱۶/۷۵	قراردادی	۲۱/۷۵	۱۸-۳۰
۱۱/۷۵	سایر	۳۱/۵	۳۰-۴۵
۱۸/۵	کمتر از ۵ سال	۳۸/۲۵	۴۵-۶۴
۴۳/۵	۵ تا ۱۰ سال	۸/۵	+ ۶۴
۳۸	بیش از ۱۰ سال	۷	دیپلم و کمتر
۲۲/۲۵	کمتر از ۵ سال	۵۹/۲۵	کاردانی و کارشناسی
۴۲/۵	۵ تا ۱۰ سال	۲۵/۷۵	کارشناسی ارشد
۳۵/۲۵	بیش از ۱۰ سال	۸	دکتری

در نهایت می‌توان بیان کرد که کارکنان نهادی از تجربه تحصیلاتی و شغلی نسبتاً مطلوبی برخوردار هستند که در صورت به کارگیری صحیح و منطقی در مسئولیت‌های مرتبط با حوزه تحصیلی و تخصصی می‌تواند به عنوان یکی از پتانسیل‌های مرتبط با ظرفیت‌سازی و ارتقای عملکرد نهادها شناخته شود. ازلحاظ سنی نیز توزیع نسبتاً متعادلی بین نیروهای جوان و افراد باتجربه‌تر وجود دارد که تا حدودی با سابقه اشتغال هم‌پوشانی دارد و یکی از نقاط قوت نهادها محسوب می‌شود. زیرا هم از نیروهای جوان و عمدتاً پویا و فعال استفاده می‌کند و هم از به کارگیری افراد باتجربه‌تر بی‌بهره نمانده است.

سنجش ظرفیت نهادی سازمان‌های متولی توسعه

ظرفیت نهادی همواره مجموعه‌ای از شاخص‌های مادی و غیرمادی را در برمی‌گیرد که حیات توسعه پایدار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این شاخص‌ها صرفاً بازتابی از امکانات و خدمات نیست بلکه سرمایه‌های ارتباطی، دانشی، فرهنگی و ... را نیز در بردارد به همین دلیل عناصر همه‌جانبه‌ای در سنجش آن دخیل است که علاوه بر ساختارهای موجود؛ به سازمان‌دهی و ارتباط ساختاری تأکید دارد و بر مبنای آن ظرفیت نهادی سازمان‌های متولی توسعه در شهرستان بجنورد در قالب ۶ مؤلفه و ۶۸ سؤال ارائه شده است که دامنه وسیعی از منابع مادی و معنوی را دربر می‌گیرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از مجموع ۶۸ گویه تنها ۱۱ گویه میانگینی بیش از حد متوسط (عدد ۳) را بدست آورده‌اند و تعداد ۵۷ گویه از میانگین متوسط پایین‌تر است که به معنای عدم مطلوبیت وضع موجود می‌باشد. بالاترین میانگین مربوط به گویه "دسترسی به کتابچه‌ها، جزوه‌ها و کتاب‌های مربوط به وظایف نهادی" با ۳/۸۵ است. پایین‌ترین امتیاز با میانگین ۱/۷۰ مربوط به عملکرد نهادی در ارتباط با "افزایش آگاهی‌های عمومی در زمینه بیماری‌های قابل انتقال (مانند ایدز و ...)" است. در مؤلفه "منابع دانشی" برخلاف سایر مؤلفه‌ها، هیچ گویه‌ای حاکی از وضعیت مطلوب نیست و به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های اساسی در حوزه ظرفیت نهادی مربوط به فضای دانشی در نهادهای متولی توسعه است. همچنین توانایی نهادها برای بسیج منابع فردی و جمعی در راستای پاسخگویی به نیازها از اصلی‌ترین چالش‌های موجود است به گونه‌ای که در ۷ گویه از شاخص منابع ارتباطی؛ فرایندهای مداخله‌ای و بهره‌وری پایین در استفاده از منابع مادی و انسانی درون و برون‌نهادی مشهود است تا جایی که عملکردهای بخشی و یک‌جانبه‌گرایی محصول نهایی آن می‌باشد.

در نهایت عدد ۲/۶۳ میانگین مجموعه گویه‌ها را نشان می‌دهد که اختلاف زیادی با وضعیت مطلوب و حتی متوسط دارد.

جدول ۴. میانگین سؤالات مرتبط با شاخص‌های ظرفیت نهادی

شماره	سؤالات	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	آماره t
منابع مادی و فیزیکی					
۱	فضای ساختمانی	۲/۴۰	۰/۹۹	۰/۰۴۹	۴۸/۴۱
۲	تراکم کارمندان در هر اتاق	۲/۶۰	۱/۰۸	۰/۰۵۴	۴۸/۰۲
۳	پرداخت به موقع حقوق و مزایا کارمندان	۳/۱۹	۱/۳۸	۰/۰۶۹	۴۶/۲۵
۴	تعداد اقلام اداری	۳/۴۰	۱/۴۱	۰/۰۷۰	۴۷/۹۶
۵	تجهیزات و ماشین‌آلات مورد نیاز	۲/۴۰	۱	۰/۰۵۰	۴۷/۹۴
۶	منابع مالی در دسترس و کافی برای مواقع ضروری و بحرانی	۲/۸۲	۱/۲۴	۰/۰۶۲	۴۵/۳۵
۷	کیفیت فیزیکی ساختمان	۲/۴۳	۰/۹۹	۰/۰۴۹	۴۹/۰۳
منابع انسانی					
۸	مرتبط بودن وظایف و رشته تحصیلی کارکنان	۱/۸۶	۰/۹۷	۰/۰۴۸	۳۸/۱۹
۹	تجربه لازم برای انجام وظایف	۳/۳۳	۱/۴۰	۰/۰۷۰	۴۷/۱۵
۱۰	دانش فنی و تخصصی کارکنان و اطلاعات آن‌ها	۲/۴۸	۱/۰۵	۰/۰۵۲	۴۷/۰۵
۱۱	توجه کارکنان به شرح خدمات و وظایف آنان	۲/۵۵	۱/۰۴	۰/۰۵۲	۴۹/۰۱
۱۲	تناسب وظایف و توانایی و روحیه کارکنان	۲/۴۹	۱/۰۶	۰/۰۵۳	۴۶/۸۸
۱۳	داشتن انگیزه لازم برای انجام وظایف	۳/۱۸	۱/۴۱	۰/۰۷۰	۴۵/۱۶
۱۴	علاقه و دلبستگی به محیط اداره و انجام وظایف	۲/۵۱	۱/۰۶	۰/۰۵۳	۴۷/۳۱
۱۵	دقت و حساسیت کارکنان به انجام وظایف	۲/۴۳	۰/۹۸	۰/۰۴۹	۴۹/۵۲
۱۶	احساس مسئولیت کارکنان نسبت به حل مشکلات اداره	۳/۲۱	۱/۳۷	۰/۰۶۸	۴۶/۶۰
۱۷	تعهد اخلاقی کارکنان برای خدمت به مردم و انجام وظایف	۳/۱۷	۱/۳۳	۰/۰۶۶	۴۷/۳۹
۱۸	نظم و انضباط کارکنان در محیط اداری	۲/۵۰	۱/۰۴	۰/۰۵۲	۴۸/۱۴
۱۹	جلوگیری از بروکراتیک شدن فعالیت‌های اداری	۲/۴۴	۰/۹۹	۰/۰۴۹	۴۸/۸۲
۲۰	احترام به ایده‌ها و خلاقیت‌های کارکنان از طرف نهاد	۲/۲۶	۱/۳۹	۰/۰۶۹	۴۶/۶۲
۲۱	برقراری سیستم مشخص و شفاف پاداش و مجازات کاری	۲/۴۱	۱	۰/۰۵۰	۴۸/۳۳
۲۲	ارتقای شغلی کارکنان بر اساس شایسته‌سالاری	۱/۷۹	۰/۹۶	۰/۰۴۸	۳۷/۴۰
۲۳	احساس مثبت کارکنان نسبت به موقعیت و جایگاه سازمانی خود	۲/۴۵	۰/۹۸	۰/۰۴۹	۴۹/۷۱
۲۴	کار گروهی و مشارکت در فعالیت‌ها برای بهبود عملکرد	۲/۶۸	۱/۲۲	۰/۰۶۱	۴۴/۰۵
۲۵	واگذاری وظایف همکار غایب به سایر همکاران	۲/۴۱	۱	۰/۰۵۰	۴۷/۹۷
۲۶	شرکت در جلسات	۲/۵۹	۱/۳۱	۰/۰۵۶	۴۵/۸۳
۲۷	تعامل با مدیران خارج از سلسله‌مراتب سازمانی برای کارکنان	۱/۹۷	۱/۰۲	۰/۰۵۱	۳۸/۴۲
۲۸	استقبال از نقدهای منصفانه در محیط اداری	۲/۴۹	۱/۰۵	۰/۰۵۲	۴۷/۰۴
۲۹	اعتماد متقابل بین کارکنان نهاد	۳/۵۰	۱/۳۹	۰/۰۶۹	۵۰/۱۹
منابع حیاتی					
۳۰	جلوگیری از فعالیت‌های آلوده‌کننده محیط طبیعی	۲/۶۵	۱/۱۵	۰/۰۵۷	۴۶/۰۵
۳۱	اطلاع‌رسانی و آموزش به مردم در مورد چگونگی حفظ محیط زیست	۳/۳۹	۱/۳۹	۰/۰۶۹	۴۸/۸۲
۳۲	جلوگیری از آلوده شدن رودخانه‌ها	۲/۴۹	۱/۰۵	۰/۰۵۲	۴۷/۰۹
۳۳	حفظ جنگل‌ها و جلوگیری از قطع درختان	۱/۷۵	۰/۹۲	۰/۰۴۶	۳۷/۷۴
۳۴	جلوگیری از تخریب و از بین رفتن پوشش گیاهی	۲/۵۰	۱/۰۵	۰/۰۵۲	۴۷/۶۰

۴۸/۶۱	۰/۰۴۹	۰/۹۹	۲/۴۲	جلوگیری از آلوده شدن مناطق تفرجگاهی طبیعی	۳۵
۴۷/۰۷	۰/۰۵۲	۱/۰۵	۲/۴۸	حفاظت از جانوران وحشی منطقه	۳۶
۴۷/۸۵	۰/۰۵۰	۱	۲/۴۰	جلوگیری از فرسایش خاک	۳۷
۴۷/۸۵	۰/۰۵۲	۱/۰۵	۲/۵۱	ترویج شیوه‌های درست بهره‌برداری از منابع آب‌و‌خاک	۳۸
۴۸/۹۸	۰/۰۴۹	۰/۹۹	۲/۴۲	آموزش مردم در مورد کاهش تولید زباله یا بازیافت آن	۳۹
۴۶/۹۵	۰/۰۵۲	۱/۰۵	۲/۴۸	آموزش به مردم در زمینه چگونگی مواجهه با مخاطرات طبیعی	۴۰
۳۹/۵۰	۰/۰۴۹	۰/۹۸	۱/۹۴	نظارت بر ساخت و سازها به منظور رعایت ضوابط و مقررات مقاوم‌سازی	۴۱
۴۷/۰۵	۰/۰۵۲	۱/۰۵	۲/۴۸	ترویج چگونگی مصرف درست آب، برق، گاز و سایر انرژی‌ها	۴۲
۴۸/۶۶	۰/۰۵۰	۰/۹۸	۲/۴۳	ایجاد و گسترش مکان‌های فرهنگی (کتابخانه‌ها، سالن‌های نمایش و ...)	۴۳
۴۷/۰۶	۰/۰۵۳	۱/۰۵	۲/۵۱	کمک به ارتقاء و تقویت جایگاه میراث فرهنگی و تاریخی منطقه و معرفی آن	۴۴
۳۸/۶۵	۰/۰۴۴	۱	۱/۷۰	افزایش آگاهی‌های عمومی در زمینه بیماری‌های قابل انتقال (مانند ایدز و ...)	۴۵
۴۷/۴۶	۰/۰۵۳	۱/۰۶	۲/۵۲	جلب مشارکت‌های مردمی و خیرین در کارهای عام‌المنفعه	۴۶
۴۷/۲۴	۰/۰۵۳	۰/۸۸	۲/۵۳	کمک به پیشرفت بخش کشاورزی	۴۷
۴۶/۸۳	۰/۰۵۳	۱/۰۶	۲/۴۹	شیوه‌های توسعه کسب‌وکارهای محلی و حمایت از افراد کارآفرین	۴۸
منابع پشتیبان					
۳۶/۶۵	۰/۰۸۲	۱/۶۵	۳/۰۲	دسترسی به کارهای پژوهشی	۴۹
۴۴/۶۶	۰/۰۶۲	۱/۲۵	۲/۷۹	دسترسی به طرح‌های توسعه	۵۰
۵۹/۷۶	۰/۰۶۴	۱/۲۹	۳/۸۵	دسترسی به کتابچه‌ها، جزوه‌ها و کتاب‌های مربوط به وظایف نهادی	۵۱
۴۴/۷۵	۰/۰۶۱	۱/۲۲	۲/۸۳	دسترسی به مراکز پژوهشی و آموزش عالی	۵۲
منابع دانشی					
۴۸/۲۹	۰/۰۵۰	۱	۲/۴۱	دانش و آگاهی کارکنان اداره در زمینه توسعه منطقه	۵۳
۴۷/۷۹	۰/۰۵۲	۱/۰۵	۲/۵۱	بهره‌گیری از نظرات و دیدگاه‌های مردم و یا معتمدین محلی	۵۴
۴۹/۷۶	۰/۰۴۹	۰/۹۹	۲/۴۶	تبادل اطلاعات و تجربه با سایر نهادها	۵۵
۴۵/۳۲	۰/۰۵۷	۱/۱۵	۲/۶۱	تشویق کارکنان به اشتراک دانش و تجربه با یکدیگر	۵۶
۴۸/۰۹	۰/۰۵۰	۱	۲/۴۱	استفاده از تخصص و مهارت کارکنان در اداره	۵۷
۴۵/۱۳	۰/۰۶۰	۱/۲۰	۲/۷۲	دسته‌بندی اقدامات و تجربیات نهاد	۵۸
۴۹/۱۶	۰/۰۴۹	۰/۹۹	۲/۴۴	برگزاری کارگاه‌های مهارت‌افزایی در درون نهاد یا سایر نهادها	۵۹
۳۸/۲۴	۰/۰۴۴	۰/۸۹	۲/۷۱	آشنایی کارکنان با قوانین و مقررات نهاد	۶۰
۴۶/۶۷	۰/۰۵۱	۱/۰۲	۲/۳۹	دانش کارکنان نسبت به شرایط ویژه محلی و وضعیت مردم	۶۱
منابع ارتباطی					
۴۷/۶۹	۰/۰۵۲	۱/۰۵	۲/۵۱	هماهنگی تصمیمات گرفته‌شده در نهادهای شهرستان (هماهنگی بین‌نهادی)	۶۲
۴۸/۷۹	۰/۰۶۹	۱/۳۹	۳/۳۹	ارتباط نهادهای شهرستان با یکدیگر	۶۳
۴۷/۳۶	۰/۰۵۲	۱/۰۵	۲/۴۹	از بین بردن فرایندهای مداخله‌ای و موازی‌کاری بین نهادهای شهرستان	۶۴
۴۷/۷۰	۰/۰۵۲	۱/۰۵	۲/۵۰	همکاری صمیمانه نهادهای شهرستان برای پیشرفت و بهبود فرایندهای اداری	۶۵
۴۸/۳۷	۰/۰۵۰	۱	۲/۴۲	کاستن از فرایندهای بروکراتیک بین نهادی برای خدمت‌رسانی به مردم	۶۶
۴۷/۲۴	۰/۰۵۲	۱/۰۴	۲/۴۸	تقسیم وظایف صحیح و دقیق بین نهادی برای پیشرفت منطقه	۶۷
۳۶/۵۸	۰/۰۴۸	۰/۹۶	۱/۷۶	بهره‌گیری از ظرفیت سایر نهادها برای خدمت‌رسانی به مردم	۶۸

با بهره‌گیری از آزمون t-test تک‌نمونه‌ای مستقل میانگین هر کدام از مؤلفه‌ها با ضریب اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. "منابع پشتیبان" به‌عنوان یک از اهرم‌های ظرفیتی نهادها با میانگین ۳/۱۰ بیشترین مطلوبیت را دارد که از حد متوسط نیز بالاتر است و پس از آن "منابع مادی و فیزیکی" با میانگین ۲/۷۵ قرار دارد. پایین‌ترین میانگین

نیز به مؤلفه‌های "منابع دانشی" و "منابع حیاتی" به ترتیب با میانگین‌های ۲/۴۱ و ۲/۴۲ اختصاص دارد. معناداری میانگین‌های بدست آمده در تمامی مؤلفه‌ها با سطح خطای ۰/۰۰۰ قابل تأیید است. به نظر می‌رسد بهسازی نیروی انسانی و کارآمدی منابع انسانی درون و برون نهادی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که در صورت بهبود آن می‌توان برخی از شاخص‌های غیرمادی را بهبود بخشید زیرا شاخص منابع انسانی، دانشی، ارتباطی و .. به صورت مستقیم متأثر از آن است همچنین برخی از شاخص‌ها همچون شاخص ارتباطی تا حدود زیادی متأثر از اسناد، قوانین و دستور کارهای فرادستی است که منجر به موازی کاری بدون تقسیم کار و فرایندهای بخشی بدون فرایندهای فضایی و همه‌جانبه است.

جدول ۵. میانگین مؤلفه‌های ظرفیت نهادی با استفاده از آزمون t-test تک‌نمونه‌ای مستقل

ابعاد ظرفیتی	حجم نمونه	میانگین	خطای معناداری	انحراف استاندارد	خطای میانگین
منابع مادی و فیزیکی	۴۰۰	۲,۷۵	۰,۰۰۰	۰,۴۶	۰,۰۲۳
منابع انسانی	۴۰۰	۲,۶۲	۰,۰۰۰	۰,۲۹	۰,۰۱۴
منابع حیاتی	۴۰۰	۲,۴۲	۰,۰۰۰	۰,۲۸	۰,۰۱۴
منابع پشتیبان	۴۰۰	۳,۱۰	۰,۰۰۰	۰,۷۸	۰,۰۳۹
منابع دانشی	۴۰۰	۲,۴۱	۰,۰۰۰	۰,۴۱	۰,۰۲۰
منابع ارتباطی	۴۰۰	۲,۵۰	۰,۰۰۰	۰,۴۷	۰,۰۲۳

میزان تأثیر گذاری ابعاد ظرفیت نهادی بر روند و نهادینه شدن توسعه پایدار شهری-منطقه‌ای

پس از ارزیابی ظرفیت نهادی، رابطه آن با توسعه پایدار شهری-منطقه‌ای حائز اهمیت است. تأثیر گذاری نهادها بر توسعه از دو مجرا صورت می‌گیرد، به این معنا که ابتدا باید ظرفیتی وجود داشته باشد تا بتواند تأثیر گذار باشد یعنی شرط لازم وجود "ظرفیت نهادی" است اما شرط کافی وجود عملکردهای مطلوب است یعنی نهادها از ظرفیت خود برای تحقق توسعه استفاده نمایند، که "عملکرد نهادی" نامیده می‌شود. در همین راستا از جامعه نمونه در مورد میزان تأثیر گذاری مؤلفه‌های ظرفیتی بر توسعه پایدار پرسش‌گری به عمل آمده است (که عملکرد نهادی را نیز نشان می‌دهد) که یافته‌ها گویای آن است در مؤلفه "منابع مادی و فیزیکی" اثر گذاری آشکاری بر مؤلفه‌های روندی و نهادینگی توسعه پایدار صورت نگرفته است به گونه‌ای که تمامی میانگین‌ها از حد متوسط ۳ کمتر است. مؤلفه "منابع انسانی" بر "درک و شناخت اهمیت توسعه پایدار منطقه‌ای" با میانگین ۳/۴۵ اثر گذار بوده است اما تأثیر آن بر سایر مؤلفه‌های توسعه مشهود نیست. مؤلفه "منابع حیاتی" بر مؤلفه "ارتقای کیفیت محیط‌زیست" با میانگین ۳/۳۰ اثر گذار است اما بر سایر مؤلفه‌ها تأثیر گذاری مطلوبی نداشته است. در ادامه همین روند، مؤلفه "منابع پشتیبان" بر هیچ کدام از مؤلفه‌های توسعه تأثیر آشکاری ندارد و مؤلفه "منابع دانشی" صرفاً بر "ارتقای کیفیت محیط‌زیست" با میانگین ۳/۱۲ تأثیر نسبتاً مطلوبی گذاشته است. در نهایت مؤلفه "منابع ارتباطی" مورد ارزیابی قرار گرفته، که تنها بر "جهت‌دهی به توسعه اجتماعی-فرهنگی" با میانگین ۳/۳۱ به صورت مطلوبی مؤثر بوده است. میانگین‌های بدست آمده در زمینه تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته به صورت کامل در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. تأثیر ظرفیت نهادی بر مؤلفه‌های روندی و نهادینه‌شدن توسعه پایدار شهری-منطقه‌ای

متغیرهای مستقل	شماره	متغیرهای وابسته	میزان اثر	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	آماره t
منابع مادی و فیزیکی	۶۹	ارتقای کیفیت محیط‌زیست	۲,۰۲	۱,۰۵	۰,۰۵۲	۳۸,۳۰
	۷۰	جهت‌دهی به توسعه متوازن اقتصادی	۲,۴۳	۰,۹۹	۰,۰۴۹	۴۹,۰۷
	۷۱	جهت‌دهی به توسعه اجتماعی-فرهنگی	۲,۴۸	۱,۰۵	۰,۰۵۲	۴۶,۹۵
	۷۲	درک و شناخت اهمیت توسعه پایدار منطقه‌ای	۲,۴۰	۱,۰۰	۰,۰۵۰	۴۷,۸۲
	۷۳	تحقق اهداف توسعه پایدار	۲,۴۹	۱,۰۵	۰,۰۵۲	۴۷,۰۰
منابع انسانی	۷۴	ارتقای کیفیت محیط‌زیست	۲,۴۴	۱,۰۰	۰,۰۵۰	۴۸,۷۰
	۷۵	جهت‌دهی به توسعه متوازن اقتصادی	۲,۵۰	۱,۰۶	۰,۰۵۳	۴۷,۰۲
	۷۶	جهت‌دهی به توسعه اجتماعی-فرهنگی	۲,۳۹	۱,۰۱	۰,۰۵۰	۴۷,۰۱
	۷۷	درک و شناخت اهمیت توسعه پایدار منطقه‌ای	۳,۴۵	۱,۳۷	۰,۰۶۸	۵۰,۱۲
	۷۸	تحقق اهداف توسعه پایدار	۲,۴۳	۰,۹۷	۰,۰۴۸	۵۰,۰۵
منابع حیاتی	۷۹	ارتقای کیفیت محیط‌زیست	۳,۳۰	۱,۳۸	۰,۰۶۹	۴۸,۲۸
	۸۰	جهت‌دهی به توسعه متوازن اقتصادی	۲,۶۳	۱,۶۱	۰,۰۵۸	۴۵,۱۱
	۸۱	جهت‌دهی به توسعه اجتماعی-فرهنگی	۲,۵۰	۱,۰۴	۰,۰۵۲	۴۸,۰۸
	۸۲	درک و شناخت اهمیت توسعه پایدار منطقه‌ای	۲,۲۰	۱,۰۰	۰,۰۵۰	۴۳,۹۶
	۸۳	تحقق اهداف توسعه پایدار	۲,۲۳	۱,۳۸	۰,۰۶۵	۴۹,۳۸
منابع پشتیبان	۸۴	ارتقای کیفیت محیط‌زیست	۲,۴۲	۱,۰۰	۰,۰۵۰	۴۸,۴۱
	۸۵	جهت‌دهی به توسعه متوازن اقتصادی	۲,۵۱	۱,۰۵	۰,۰۵۲	۴۷,۸۵
	۸۶	جهت‌دهی به توسعه اجتماعی-فرهنگی	۲,۴۵	۰,۹۹	۰,۰۴۹	۴۹,۴۱
	۸۷	درک و شناخت اهمیت توسعه پایدار منطقه‌ای	۲,۲۱	۱,۳۲	۰,۰۶۶	۴۸,۵۸
	۸۸	تحقق اهداف توسعه پایدار	۲,۴۱	۱,۰۰	۰,۰۵۰	۴۸,۱۷
منابع دانشی	۸۹	ارتقای کیفیت محیط‌زیست	۳,۱۲	۱,۳۷	۰,۰۶۸	۴۵,۲۷
	۹۰	جهت‌دهی به توسعه متوازن اقتصادی	۱,۷۷	۰,۹۷	۰,۰۴۸	۳۶,۵۸
	۹۱	جهت‌دهی به توسعه اجتماعی-فرهنگی	۲,۴۹	۱,۰۶	۰,۰۵۳	۴۷,۰۳
	۹۲	درک و شناخت اهمیت توسعه پایدار منطقه‌ای	۲,۱۵	۱,۰۲	۰,۰۵۲	۴۱,۹۰
	۹۳	تحقق اهداف توسعه پایدار	۲,۵۰	۱,۰۵	۰,۰۴۲	۴۷,۳۸
منابع ارتباطی	۹۴	ارتقای کیفیت محیط‌زیست	۲,۴۵	۰,۹۷	۰,۰۴۸	۵۰,۴۵
	۹۵	جهت‌دهی به توسعه متوازن اقتصادی	۱,۷۶	۰,۹۳	۰,۰۴۶	۳۷,۶۱
	۹۶	جهت‌دهی به توسعه اجتماعی-فرهنگی	۳,۳۱	۱,۳۸	۰,۰۶۹	۴۷,۸۰
	۹۷	درک و شناخت اهمیت توسعه پایدار منطقه‌ای	۲,۲۵	۱,۰۵	۰,۰۵۲	۴۲,۵۶
	۹۸	تحقق اهداف توسعه پایدار	۲,۴۱	۰,۹۹	۰,۰۴۹	۴۸,۴۱

نتایج نهایی حاصل شده نشان می‌دهد که در مجموع، هیچ کدام از مؤلفه‌های ظرفیت نهادی اثر مثبتی بر توسعه پایدار شهری-منطقه‌ای نداشته و تمامی میانگین‌ها کمتر از ۳ بدست آمده است. بیشترین اثرگذاری مربوط به مؤلفه "منابع حیاتی" با امتیاز ۲/۷۸ و کمترین اثرگذاری مربوط به مؤلفه "منابع مادی و فیزیکی" با امتیاز ۲/۳۶ است. تمامی میانگین‌های بدست آمده با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۰۰ قابل تأیید است.

جدول ۷. تأثیر مؤلفه‌های ظرفیت نهادی بر توسعه پایدار شهری - منطقه‌ای

متغیرهای مستقل	حجم نمونه	میزان اثر بر متغیرهای وابسته	خطای معناداری	انحراف استاندارد	خطای میانگین
منابع مادی و فیزیکی	۴۰۰	۲,۳۶	۰,۰۰۰	۰,۵۰	۰,۰۲۵
منابع انسانی	۴۰۰	۲,۶۴	۰,۰۰۰	۰,۵۱	۰,۰۲۵
منابع حیاتی	۴۰۰	۲,۷۸	۰,۰۰۰	۰,۵۸	۰,۰۲۹
منابع پشتیبان	۴۰۰	۲,۶۰	۰,۰۰۰	۰,۵۹	۰,۰۲۹
منابع دانشی	۴۰۰	۲,۴۱	۰,۰۰۰	۰,۵۵	۰,۰۲۷
منابع ارتباطی	۴۰۰	۲,۴۳	۰,۰۰۰	۰,۴۷	۰,۰۲۳

جهت بررسی دقیق‌تر نقش ظرفیت‌های نهادی در توسعه پایدار فضاهای شهری و پیراشهری با استفاده از آزمون رگرسیون خطی میزان اثرگذاری ظرفیت نهادها (متغیر مستقل) بر توسعه پایدار (متغیر وابسته) محاسبه شده است. نتایج واریانس رگرسیون گویای آن است که متغیر مستقل توانسته است با ضریب خطای ۰/۰۰۵ به میزان ۰/۱۴۰ درصد متغیر وابسته را به شکل معناداری پیش‌بینی نماید. در شهرستان بجنورد به دلیل ظرفیت پایین نهادهای متولی توسعه، این اثرگذاری اندک بوده است در صورتی که ارتقای ظرفیت نهادی می‌تواند اثرگذاری را نیز افزایش دهد.

جدول ۸. تحلیل واریانس متغیرهای پژوهش (تأثیر متغیر مستقل بر وابسته)

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	آماره F	P-مقدار	مقدار پیش‌بینی
رگرسیون	۱	۱۱/۹۳۰	۱۱/۹۳۰	۷/۹۸۱	۰/۰۰۵	۰/۱۴۰
باقی‌مانده	۳۹۸	۵۹۴/۹۱۸	۱/۹۴۵			
کل	۳۹۹	۶۰۶/۸۴۷				

در نهایت می‌توان عنوان کرد که انگاره توسعه پایدار شهری و پیراشهری در شهرستان بجنورد تابعی از ظرفیت‌های درون و برون‌نهادی به همراه کارایی مؤثر، شایسته و مطلوب آن‌ها است و تا زمانی که درک متناقض و درعین حال متمایزی از توان عملکرد نهادی وجود داشته باشد و به تبع آن منطبق با نیازهای نهادها پاسخگوی موقعیت ویژه توسعه‌ای قرار نگیرد چشم‌انداز آتی مخاطره‌آمیز خواهد بود. بر همین اساس تمرکز بر ظرفیت‌ها، پس‌زمینه و قیود برنامه‌ریزان در مواجهه با فرایند توسعه است که پس از آن باید به دنبال قواعد همگانی و کوشش برنامه‌ریزی کنش‌گرایانه و عقلانی بود. این دو گام در شرایط فعلی به امری عبث و بیهوده تبدیل گشته که نهادها را از منطبق وجودی آن‌ها دور کرده است.

نتیجه‌گیری

رابطه علی ظرفیت نهادی و توسعه پایدار در غالب تحقیقات گوناگون مورد تأیید قرار گرفته است (Wang et al, 2014; Sence and Korthals, 2010; Mulugetta, 2008; Tonn, 2014) که در این پژوهش نیز مشهود است اما در بیان جزئیات آن باید عنوان کرد که نتایج تحقیق همسو با پیشینه خارجی (Sence and Korthals, 2010; Isaksson, 2014; and Hagbert, 2020; Morrison, 2014) و همچنین پیشینه داخلی پژوهش (بنا و دیگران، ۱۳۹۷: لاله‌پور، ۱۳۹۶) نشان می‌دهد که ظرفیت نهادی سازمان‌های متولی توسعه در شهرستان بجنورد در سطح نامطلوبی قرار دارد و این ظرفیت توانسته است در نهادینه‌شدن توسعه فضاهای شهری و پیراشهری مؤثر واقع شود. در واقع همچون پژوهش (کازمیان و

دیگران، ۱۳۹۲) ارتباط میان ظرفیت نهادی و توسعه پایدار نمایان است اما در شهرستان بجنورد به دلیل عدم بهره‌برداری از ظرفیت نهادها، عملکرد آن نیز با چالش مواجه شده و در تحقق و نهادینه شدن توسعه پایدار نتوانسته است مؤثر واقع شود به گونه‌ای که مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در سطح پایینی قرار دارند و تأثیر آن‌ها بر توسعه نیز به همین مقدار کاهش یافته است. در واقع در گام اول باید ظرفیت نهادی به تکامل برسد و سپس از این ظرفیت بهره‌برداری کرد و مادامی که ظرفیت نهادی به بلوغ نرسیده باشد به تأثیرگذاری آن در فرایند توسعه نمی‌توان اطمینان داشت. در همین راستا در شهرستان بجنورد تمامی مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند به گونه‌ای که هیچ‌کدام از آن‌ها امتیاز متوسط ۳ را کسب نکرده‌اند به همین دلیل اثرات آن بر توسعه نیز غیرمشهود است و تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته در هیچ‌کدام از مؤلفه‌ها به حد متوسط دست نیافته است. نتایج این پژوهش در تکمیل پژوهش‌های پیشین، ظرفیت نهادی در شهرستان بجنورد را در شاخص‌های بیشتری موردبررسی قرار داده و مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مادی و غیرمادی را به آزمون گذاشته است. در بحث توسعه پایدار شهری-منطقه‌ای نیز علاوه بر روند توسعه، به نهادینه شدن آن تأکید شده؛ با این حال به نظر می‌رسد در تولید ادبیات این بحث و کاربرست آن در سازمان‌های متولی توسعه باید اقدامات جدی‌تری صورت گیرد تا کارگزاران توسعه از تمامی پتانسیل‌های خود بهره‌برداری نمایند و حتی به خلق ظرفیت‌های بیشتر مبادرت ورزند. در همین راستا پیشنهادهای زیر را می‌توان در پاسخ به چالش‌های کنونی شهرستان بجنورد در ارتباط با ظرفیت نهادی و توسعه پایدار مطرح کرد:

منابع مادی و فیزیکی: توسعه زیرساخت‌های مادی و فیزیکی به‌عنوان زیربنای فعالیت‌های توسعه‌ای و تخصیص بودجه‌های ویژه برای ارتقای آن؛ ارتقای زیرساخت‌های نهادی با توجه به نیازهای جدید و جلوگیری از اتلاف منابع؛ افزایش منابع مالی در دسترس برای برنامه‌های ضربتی و ویژه. **منابع انسانی:** افزایش انگیزه و دل‌بستگی کارکنان به محیط کاری از طریق نظام‌های تشویقی و تنبیهی، بهره‌گیری از نیروهای متخصص در حوزه‌های مرتبط با دانش آنان و جلوگیری از اتلاف سرمایه‌های انسانی در برابر فعالیت‌های غیرتخصصی؛ توجه به روش‌های علمی و نوین بهسازی منابع انسانی برای افزایش راندمان کاری؛ ارتقای ظرفیت نهادی از طریق مهارت‌افزایی و آموزش کارکنان و بدل شدن آنان به کارکنان متخصص و حرفه‌ای. **منابع حیاتی:** افزایش آموزش و آگاهی‌رسانی به شهروندان در خصوص منابع طبیعی و انواع آلودگی‌ها در جهت تحقق توسعه پایدار؛ ارتقای دانش کارکنان در زمینه مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و .. منطقه و جلوگیری از دیدگاه‌های صرفاً بخشی؛ ترویج و گسترش فعالیت‌های پایدار (هم در حوزه زیست‌محیطی و هم اقتصادی) با برنامه‌های تشویقی و انگیزشی از طریق تخصیص بودجه، ساده‌سازی مقررات، پرهیز از بوروکراسی اداری و ..؛ توسعه بیشتر فعالیت‌های عام‌المنفعه از طریق مشارکت همگانی و بخصوص کنشگری خیریه‌ها. **منابع پشتیبان:** تدوین یک سند فرادستی در رابطه با نقش نهادها در توسعه پایدار و غنا بخشیدن به ادبیات نظری و تجربی این موضوع؛ ارتباط با مراکز علمی و بهره‌گیری از تجربیات نظری آنان؛ گردآوری منابع به‌روز و مرتبط با وظایف نهادی از طریق بانک کتابخانه‌ای در هر کدام از نهادها. **منابع دانشی:** بررسی و ارزیابی اثرات نهادها در زمینه توسعه پایدار و به اشتراک گذاشتن آن با کارکنان جهت افزایش دانشی علمی و عملی؛ برگزاری کارگاه‌های هم‌افزایی در درون نهادها برای ارتقای دانش کارکنان؛ افزایش آگاهی کارکنان با چالش‌ها و قوت‌های درون‌نهادی و برون‌نهادی در ارتباط با تحقق توسعه پایدار. **منابع ارتباطی:** چاره‌جویی برای دویاری ارتباط‌های طولی (عدم بهره‌گیری نهادها از ظرفیت‌های جمعی و مردمی) و عرضی (ناهماهنگی تصمیمات بین نهادها) از طریق بازتعریف وظایف و مسئولیت‌ها؛ حذف وظایف و دستورکارهای زائد و مداخله‌ای همسو با سایر نهادهای کنشگر؛ بهره‌گیری از ظرفیت برون‌نهادی بخصوص در حیطه سیاست‌ها، تجربیات، قوانین و ...

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه شهید بهشتی تهران تحت عنوان "بررسی رابطه ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای (مورد پژوهش: شهرستان‌های بجنورد و راز و جرگلان خراسان شمالی)" به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسندگان سوم و چهارم است.

منابع

- اسکندری ثانی، محمد، اسمعیل نژاد، مرتضی و عاطفه خزاعی آواز. ۱۳۹۷. ارزیابی نقش نهادگرایی در روند توسعه پایدار مناطق مرزی (مورد مطالعه: استان خراسان جنوبی). پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، شماره ۲۱، صص ۳۱-۵۲
- آخوندی، عباس؛ برک پور، ناصر؛ اسدی، ایرج؛ طاهرخانی، حبیب‌الله؛ بصیرت، میثم؛ زندگی، گلزار. ۱۳۸۶. حاکمیت شهر-منطقه تهران؛ چالش‌ها و روندها، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹، صص ۱۶-۵
- بنا، مرتضی، سرور، رحیم، قربانی نژاد، ریاز. ۱۳۴۸. ظرفیت سنجی نهادی صیانت و توسعه پایدار حریم منطقه ۱۹ شهر تهران. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، شماره ۶۰، صص ۶۱-۷۷.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان شمالی. ۱۳۹۸. معرفی شهرستان بجنورد، (<https://mporg.ir/>)
- سالنامه آماری استان خراسان شمالی. ۱۳۹۵. مرکز آمار ایران، (<https://www.amar.org.ir/>)
- عظیمی، میکائیل. ۱۳۹۶. تبیینی نهادگرایی از عدم تعادل منطقه‌ای در ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، شماره ۳، صص ۱۳۹-۱۶۶
- کاظمیان، غلامرضا، فرجی‌راد، خدر، افتخاری، عبدالرضا، پورطاهری، مهدی. ۱۳۹۲. رابطه ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای (مطالعه موردی: شهرستان‌های بوکان و ارومیه). جغرافیا، شماره ۳۸، صص ۱۵۳-۱۷۳.
- لاله پور، منیژه. ۱۳۹۶. تحلیلی بر ظرفیت نهادی-مدیریتی فضاهای شهری در ارتباط با مشارکت شهروندان در اداره شهرها (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهر تبریز). فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۴۹، صص ۵۹-۸۰.
- متوسلی، محمود، بیگی هرچگانی، اسماعیل، فرمینی فراهانی، بهراد. ۱۳۹۸. کاربرد نهادگرایی الینور استروم در برنامه‌ریزی توسعه، پژوهش‌های برنامه و توسعه، شماره ۳، صص ۱۰-۳۵
- محمدی، علیرضا. ۱۳۸۸. ظرفیت‌سازی اجتماع‌محور: پشتوانه ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی. هفت شهر، شماره ۲۹ و ۳۰، صص ۹۷-۱۱۳
- Brown, R. R. 2008. **Local institutional development and organizational change for advancing sustainable urban water futures.** Environ Manage, 41(2), 221-233.
- Burns, J. 2005. **Government capacity and the Hong Kong civil service.** Oxford and New York: Oxford University Press.
- Chapman, Michael 2001. **Lessons for Community Capacity Building: A Summary of Research Evidence.** Research Department Scottish Homes, Thistle House. Copyright: Scottish Homes.
- Chavez, O., & Rayas, I. 2006. **Fortalecer la capacidad institucional. La plataforma para un gobierno exitoso.** In Portal de desarrollo. <http://www.Portaldesarrollo.org/gobierno/recursos.php?idseccion=272idcontenido=292>
- De Meene, S. 2008. **Institutional Capacity Attributes of a Water Sensitive City: the Case of Sydney, Australia,** 11th International Conference on Urban Drainage, Edinburgh, Scotland, UK.
- Ebohon, O. J., Field, B. G., & Ford, R. 1997. **Institutional deficiencies and capacity building constraints: the dilemma for environmentally sustainable development in**

- Africa.** *International Journal of Sustainable Development & World Ecology*, 4(3), 204–213. Doi:10.1080/13504509709469955
- Evans, B. & Joas, Marko & Sundback, Susan & Theobald, K.. 2005. **Governing Sustainable Cities.** 10.4324/9781849771504.
 - Frank, T. 1999. **Capacity building and Institutional Development: reflections on water.** *Public Administration and Development*, 19, 51-61
 - Fresneda Fuentes, S., & Hernández Borreguero, J. 2018. **Institutional capacity in the accounting reform process in Spanish local governments.** *Revista de Contabilidad*, 21(2), 188–195. Doi:10.1016/j.rcsar.2018.05.002
 - Gibbs, D., Andrew E. G. Jonas, Reimer, S., & Spooner, D. 2001. **Governance, Institutional Capacity and Partnerships in Local Economic Development: Theoretical Issues and Empirical Evidence from the Humber Sub-Region.** *Transactions of the Institute of British Geographers*, 26(1), 103-119. Retrieved July 2, 2020, from www.jstor.org/stable/623147
 - Grindle, M., & Hilderbrand, M. E. 1995. **Building sustainable capacity in the public sector: What can be done?** *Public Administration and Development*, 15, 441–463.
 - Hamdy, A., Abu-Zeid, M., & Lacirignola, C. 1998. **Institutional Capacity Building for Water Sector Development.** *Water International*, 23(3), 126–133. Doi:10.1080/02508069808686758
 - Healey, P 2005. **Managing Cities: The New Urban Context**, John Wiley Publication.
 - Isaksson, K., & Hagbert, P. 2020. **Institutional capacity to integrate “radical” perspectives on sustainability in small municipalities: experiences from Sweden.** *Environmental Innovation and Societal Transitions*, 36, 83–93. Doi:10.1016/j.eist.2020.05.002
 - Jovovic, R., Draskovic, M., Delibasic, M., & Jovovic, M. 2017. **The concept of sustainable regional development – institutional aspects, policies and prospects.** *Journal of International Studies*, 10(1), 255-266. Doi:10.14254/2071-8330.2017/10- 1/18
 - Kurul, E., Tah, J. H. M., & Cheung, F. (2012). **Does the UK built environment sector have the institutional capacity to deliver sustainable development?** *Architectural Engineering and Design Management*, 8(1), 42–54. Doi:10.1080/17452007.2011.613218
 - Medina, M. G., & Huete García, M. Á. 2019. **Real innovation in urban planning? Assessing the institutional capacity in the frame of the integrated sustainable urban development programmes.** *European Planning Studies*, 1–22. Doi:10.1080/09654313.2019.1675601
 - Morrison, T. H. 2014. **Developing a regional governance index: The institutional potential of rural regions.** *Journal of Rural Studies*, 35, 101–111. Doi:10.1016/j.jrurstud.2014.04.004
 - Mortel, E. 2000. **An Institutional Approach to Transition Processes.** Rotterdam, Tinbergen Institute, Research Series, Erasmus Universiteit Rotterdam
 - Mulugetta, Y. 2008. **Human capacity and institutional development towards a sustainable energy future in Ethiopia.** *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 12(5), 1435–1450. Doi:10.1016/j.rser.2007.01.007
 - Nelissen, N. 2002. **The administrative capacity of new types of governance.** *Public Organization Review: A Global Journal*, 2, 5–22.
 - North, D. C. 1990. **Institutions, Institutional Change, and Economic Performance.** Cambridge, Cambridge University Press.
 - Oslak, O. 2004. **Transformación estatal y gobernabilidad en el contexto de la globalización: un análisis comparativo de Argentina, Brasil, Chile y Uruguay: el caso Argentino, propuesta de investigación presentada por el equipo de consultores del Centro de Desarrollo y Asistencia Técnica en Tecnología para la Organización Pública.** In A. Rosas (Ed.). *Una ruta metodológica para evaluar la capacidad institucional.* *Política y Cultura*, Fall(30), 119–134.

- Parada, J. J. 2006. **A pragmatic institutional economics approach to economic development and institutions: The case of Colombia**: University of Missouri-Kansas City
- Pike A, Rodriguez-Pose A, Tomaney, J. 2006. *Local and Regional Development.*, Routledge press, London:pp-85-122
- Platje, J. 2008. **“Institutional capital” as a factor of sustainable development - the importance of an institutional equilibrium**, *Ukio Technoginis ir Ekonominis Vystymas*, 14:2, 144-150, DOI: 10.3846/1392-8619.2008.14.144-150
- Platje, J. 2004. **Institutional Change and Poland’s Economic Performance since the 1970s – incentives and transaction costs**. Wrocław, CL Consulting i Logistyka.
- Polk, M. 2011. **Institutional Capacity-building in Urban Planning and Policy-making for Sustainable Development: Success or Failure?** *Planning Practice and Research*, 26(2), 185–206. Doi:10.1080/02697459.2011.560461
- Repetto, F. 2007. **Capacidad estatal institucionalidad social y políticas públicas o la búsqueda del “ágora perdido”**. In G. Alonso (Ed.), *Capacidades estatales, instituciones y política social* (pp. 41–83). Buenos Aires Argentina: Prometeo Libros Editorial.
- Roberts, P. 2006. **Evaluating regional sustainable development: Approaches, methods and the politics of analysis**. *Journal of Environmental Planning and Management*, 49(4), 515–532. Doi:10.1080/09640560600747786
- Robins, L. 2008. **Perspectives on capacity building to guide policy and program development and delivery**. *Environmental Science & Policy*, 11(8), 687–701. Doi:10.1016/j.envsci.2008.07.003
- Salet, W. 2000, **The Institutional Approach to Strategic Planning**, in W. Salet & A. Faludi (eds.) **the revival of Strategic Spatial Planning**, Amsterdam, Royal Netherlands Academy of Arts and Science
- Savitch, H. 1998. **Global challenge and institutional capacity: Or, how we can refit local administration for the next century**. *Administration & Society*, 30(3), 248–273
- Sence, S., & Korthals, W. K. 2010. **Institutional capacities in the land development for housing on Greenfield sites in Istanbul**. *Habitat International*, 34(2), 183–195. Doi:10.1016/j.habitatint.2009.09.002
- Tonn, B. 2014. **Review of Governance by Evaluation for Sustainable Development: Institutional Capacities and Learning**. *Journal of Cleaner Production*, 68, 281–282. Doi:10.1016/j.jclepro.2013.01.013
- UNDP. 2006. **Capacity development**, Tbilisi, Georgia
- Van Geene, Jouwert. 2003. **Participatory capacity building. A Facilitator’s Toolbox for Assessment and Strategic Planning of NGO Capacity**. Published by Jouwert van Geene for The Institute of Cultural Affairs Zimbabwe. www.facili.nl/partners
- Wang, Q., Deutz, P., & Chen, Y. 2017. **Building institutional capacity for industrial symbiosis development: A case study of an industrial symbiosis coordination network in China**. *Journal of Cleaner Production*, 142, 1571–1582. Doi:10.1016/j.jclepro.2016.11.146
- Willems, S., & Baumer, K. 2003. **Institutional capacity and climate actions**. *Environment Directorate International Energy Agency*, n° 5. OECD. www.oecd.org/env/cc/
- Yoon, J.-H. 2014. **Conditions for successful public policies of sustainable development: institutional capacity, democracy, and free trade**. *International Review of Public Administration*, 19(3), 252–266. Doi:10.1080/12294659.2014.936547